

یهودیان و برخورداری از آزادی‌های مدنی در دولت پیامبر ﷺ

hosainalibeigi@gmail.com

حسین علی‌بیگی / دکتری تاریخ اسلام، مرکز علمی کاربردی جهاد دانشگاهی کرمانشاه

دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۰۲ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۶

چکیده

با تشکیل دولت - شهر مدینه از سوی پیامبر ﷺ مهم‌ترین مسئله فراروی دولت ایشان، یهودیان مدینه بودند. آنان بیشتر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر را در اختیار داشتند؛ بنابراین پیامبر ﷺ در گام نخست با آنان پیمان‌نامه‌ای منعقد کرد، که در آن مهم‌ترین شاخصه‌های آزادی‌های فردی و حقوق مدنی منعکس شده است؛ تا جایی که مفاد این پیمان‌نامه نخستین و اساسی‌ترین سند حقوقی فرادینی و فراملیتی قلمداد می‌شود. بر این اساس، پژوهش پیش روی به دنبال پاسخ دادن به این پرسش است که یهودیان در دولت پیامبر ﷺ از چه موقعیت اجتماعی برخوردار بودند و حقوق اجتماعی و آزادی‌های مدنی آنان تا چه میزان محترم شمرده شده است؟ یافته‌های این پژوهش که با رویکرد توصیفی - تحلیلی به تبیین موضوع پرداخته، بیانگر این است که یهودیان تا هنگامی که به مفاد پیمان‌نامه پایبند بودند، حقوق سیاسی و اجتماعی آنان محترم شمرده می‌شد و پیامبر ﷺ ضمن رعایت حقوق شهروندی یهودیان، آنان را مجبور به تغییر و ترک دین خودشان نکردند و یهودیان در جامعه اسلامی برای انجام فعالیت‌های اجتماعی، دینی و مذهبی خود از آزادی عمل برخوردار بودند؛ اما به دنبال نقض پیمان‌نامه، توطئه‌های مکرر، تحریک و همکاری با مشرکین مکه، پیامبر ﷺ با یهودیان پیمان‌شکن به مقابله برخاستند.

کلیدواژه‌ها: پیامبر ﷺ، یهود، مدینه، حقوق مدنی، آزادی‌های مدنی.

هجرت مسلمانان از مکه به مدینه و تشکیل دولت - شهر پیامبر ﷺ در مدینه، تحولی عمیق به وجود آورد که دستاورد آن، عقد پیمان اخوت، «پیمان نامه مدینه» با یهودیان مدینه و تغییر در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی شهر مدینه بود. آنچه پس از بنای مسجد و عقد پیمان نامه عمومی برای پیامبر ﷺ حائز اهمیت بود، تعیین خط مشی تعامل با شهروندان، به ویژه یهودیان مدینه بود. بنابراین پیامبر ﷺ در وهله نخست درصدد برآمد با عقد پیمان نامه، موضع خود را در برابر یهودیان روشن کند؛ چراکه تیرگی روابط در سال های اولیه می توانست کیان جامعه نوظهور مسلمانان را با مخاطره مواجه کند. بر این اساس، با عقد قرارداد، حقوق اجتماعی آنان را محترم شمرد و از طرفی، یهودیان نیز مکلف به تعهداتی شدند که تخطی از آن، نقض پیمان نامه را به دنبال داشت. با توجه به اهمیتی که اسلام به حفظ حقوق اجتماعی و مدنی پیروان دیگر ادیان الهی قائل است، انجام پژوهشی درخور در باب اهمیت این موضوع، ضروری به نظر می رسد. همچنین با توجه به اینکه در این زمینه پژوهشی مستقل و با این رویکرد صورت نگرفته است، از این رو این پژوهش نخستین تلاش برای تحلیل و تبیین این موضوع به شمار می رود. مسائلی که این پژوهش در پی پاسخ بدان هاست، این است که یهودیان در دولت پیامبر ﷺ از چه موقعیت اجتماعی برخوردار بودند و حقوق اجتماعی و آزادی های مدنی آنان تا چه میزان محترم شمرده می شده است.

۱. حضور یهودیان در مدینه و مناسبات آنان با اوسیان و خزرجیان

پراکندگی جغرافیایی یهودیان، در مقایسه با پیروان دیگر ادیان الهی، در سراسر شبه جزیره نمود بیشتری داشت. یکی از مناطقی که مورد توجه یهودیان قرار گرفت، یثرب (مدینه) بود. بنا به گزارش منابع، «عمالیق» اولین ساکنان یثرب بودند (ابن نجار، بی تا، ص ۲۷؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۲، ص ۳۴۳)؛ سپس یهودیان به این سرزمین آمدند. قبایل بنی هف، بنی سعد، بنی الأزرق، بنی مطر، بنی قریظه و بنی نضیر، پس از وفات موسی بن عمران و قبل از قبیله ازد و پراکنده شدن اوس و خزرج در یثرب (مدینه) ساکن شدند (همان، ج ۲۲، ص ۳۴۳؛ سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۷). زمانی که اوسیان و خزرجیان به یثرب (مدینه) آمدند، یهودیان دارایی ها، خانه ها و نخلستان های شهر را در اختیار داشتند و از نظر کثرت و قدرت، قوی تر از آنان بودند (ابن نجار، بی تا، ص ۳۰).

بخشی از قبایل یهودی، از جمله بنی قسیص، بنی ناغصه و بنی اثیف در قبا ساکن بودند (سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۳۰؛ ابن نجار، ص ۲۸). بنی قینقاع، بنی نضیر، بنی قریظه و بنی بهدل (هدل)، بنی محمر (محمحم)، بنی زعورا، بنی عوف، بنی عکریه (عکوه)، بنی مرانه (مراهه)، بنی ثعلبه، بنی ماسکه، بنی زید الات، بنی معاویه و بنی مرید، از دیگر قبایل یهودی و اعراب یهودی شده بودند (ابن نجار، بی تا، ص ۲۸-۳۰؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۲، ص ۳۴۴) که در بخش های مختلفی از مدینه و اطراف آن ساکن بودند. بنابراین یهودیان در منطقه خاصی از یثرب (مدینه) ساکن نشده و پراکندگی جغرافیایی خاصی داشتند؛ به طوری که بنی قینقاع در قسمت غربی واحه یثرب و انتهای واحه بطحان (ابن نجار، بی تا، ص ۲۷؛ سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۳۱) و بنی قریظه با ۹۵۰ خانوار به همراه بنی نضیر و

بنی‌بهدل در سنگلاخ‌های شرقی (سنگلاخ واقم) استقرار داشتند؛ اما هر کدام در مناطق مشخصی از این محدوده جغرافیایی مکانی را گزیده بودند؛ به‌طوری‌که بنی‌نضیر در وادی مذنیب، و بنی‌قریظه و بهدل در وادی مهزور بودند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۴۴؛ سمهودی، ص ۱۳۱؛ ابن‌نجار، بی‌تا، ص ۲۸). بنی‌عوف در جوار بنی‌قریظه، و بنی‌قصیص و بنی‌ناغصه در قبا، و بنی‌زعورا در نزدیکی آبگاه ام‌ابراهیم ساکن بودند. منازل بنی‌مرید، بنی‌معاویه و بنی‌ماسکه در سرزمین‌های شمالی وادی مهزور، و بنی‌عکرمه و بنی‌مراهیه در کنار سنگلاخ واقم در شمال بنی‌حارثه واقع شده بودند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۴۴؛ سمهودی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۳۱). در میان آنها، ثعلبه و گروه‌هایی غیر از آنها که از طایفه زهره و در ناحیهٔ عریص (العریص) ساکن بودند نیز حضور داشتند (ابن‌نجار، بی‌تا، ص ۲۵؛ سمهودی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲۷). البته تعدادی از این طایفه در شمال یثرب در نزدیکی کوه احد در ناحیه‌ای معروف به جوانیه مستقر بودند (سمهودی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۳۲). با توجه به پراکندگی گستردهٔ قبایل یهودی در یثرب و اطراف آن، به‌نظر می‌رسد یهودیان در قرن پنجم و اوایل قرن ششم میلادی جمعیت گسترده‌ای داشتند و بخش اعظمی از ساکنین را شامل می‌شدند. آنان دژهایی داشتند که هرگاه خطری آنها را تهدید می‌کرد، به آنها پناه می‌بردند (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۲۵۵). از جملهٔ این دژها در مدینه، دژی است که طایفه‌ای به‌نام بنی‌قمعه، از یهودیان بنی‌نضیر، در آنجا سکونت داشت (حموی، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۳۷۴).

اما اوسیان و خزرجیان که منتسب به قبایل ازد و غسان بودند، به علت تخریب سد مآرب و حادثهٔ سیل ارم، از یمن به این ناحیه مهاجرت کرده بودند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۴۵). منازل اوسیان در جنوب یثرب (مدینه) و در جوار بنی‌قریظه و بنی‌نضیر بود و خزرجیان در جوار بنی‌قینقاع ساکن بودند (همان، ج ۱۷، ص ۸۱). اوسیان و خزرجیان بعد از تقویت قدرت خود و با یاری گرفتن از غسانیان شام، بر شهر یثرب (مدینه) مسلط شدند و قدرت یهودیان را در هم شکستند (سمهودی، ج ۱، ص ۵۴۴)؛ با وجود این، در آستانهٔ هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، در خصوص تعداد ساکنان عرب و یهودی و سرشماری آنان گزارشی جامعی در دست نداریم؛ اما در دورهٔ حضور پیامبر ﷺ در مدینه و با توجه به جنگ‌هایی که یهودیان با ایشان داشتند، می‌توان عدد تقریبی مردان بالغ آنان را تخمین زد. برای نمونه، مردان جنگی بنی‌قینقاع حدوداً ۷۰۰ نفر بودند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۷؛ ابن‌سعد، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۱۲). در مقایسه با بنی‌قینقاع، گروه بنی‌قریظه بالغ بر ۶۰۰ تا ۷۰۰ مرد بالغ می‌شدند (واقدی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۵۱۸؛ ابن‌سعد، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۳؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۴۰) و بعضی تعداد آنان را ۶۰۰ تا ۹۰۰ نفر تخمین زده‌اند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۷۸؛ طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۰۸۸) و برخی همچون *واقدی*، ارقام متفاوتی بین ۶۰۰ تا ۷۵۰ نفر ذکر کرده‌اند (واقدی، ۱۳۶۹، ص ۳۹۲). با تکیه بر این گزارش‌های تاریخی، تعداد مردان بالغ در میان قبایل سه‌گانهٔ یهود باید بیش از دوهزار مرد باشد. البته به این آمار باید تعداد مردان جنگجوی تیره‌ها و دیگر عشایر یهودی را هم افزود. البته در این خصوص به‌جز گزارش سمهودی اطلاعاتی در دست نیست. ولی با توجه به آمارهای ارائه‌شده از قبایل سه‌گانهٔ یهود توسط مورخان، باید پذیرفت که

تعداد افراد قبايل يهودی به همراه ديگر افراد خانواده، اعم از زن و کودک و افراد سال خورده، بيش از مسلمانان بود و آنان از نظر تعداد و قدرت، برتری داشتند (سمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۷۸).

۲. شاخص‌های حقوق شهروندی و اجتماعی در دولت مدینه

بر اساس گزارش‌های تاریخی، پیامبر ﷺ پس از ورود به مدینه درصدد تشکیل حکومت و تثبیت قدرت و برقراری امنیت دولت خود برآمد. ایشان بر اساس سنت‌های رایج در میان اعراب، در راستای ایجاد جامعه‌ای فراقبیله‌ای و فراملی اقدام به عقد قراردادهایی میان خود و دیگر گروه‌ها، اعم از مسلمانان، مشرکان و يهود کرد و با عقد و اجرای این قراردادها به این مهم دست یافت. قواعد شریعت، شالوده‌ای فراهم می‌آورد که بر مبنای آن، اشخاص متعلق به دودمان‌ها، قبايل و ملت‌های متفاوت می‌توانستند با برخورداری از حقوق تقریباً یکسان، با همدیگر تعامل کنند. آنان می‌توانستند یکدیگر را به‌عنوان اعضای یک امت به رسمیت بشناسند، بدون آنکه نیازمند ترک دودمان و قبیله خود باشند. به همین دلیل، از جامعه نوپای مدنی به‌عنوان جامعه‌ای «ساقبيله‌ای» یاد می‌شود که به‌تازگی از قبیله‌گرایی گذر کرده است (بلک، ۱۳۹۳، ص ۲۰). تمام کوشش پیامبر ﷺ در راستای ایجاد جامعه‌ای متحد در برابر مشرکین بود و اگر بحران داخلی در تعامل با يهود در همان سال‌های نخست بروز می‌کرد، پیامبر ﷺ نمی‌توانست در برابر مشرکین به مقابله بپردازد. بنابراین، وحدت امت مهم‌ترین معیار اجتماعی بنیادین در دولت جدید بود که با عقد میثاق و پیمان‌نامه مسالمت‌آمیز با يهود محقق شد و در پرتو این معاهدات، روابط اجتماعی يهود با پیامبر ﷺ تعیین شد (بلاذری، ۱۳۳۷، ص ۲۵؛ بلک، ۱۳۹۳، ص ۲۲). برخی در تحلیل‌های خود کوشش‌های پیامبر ﷺ برای ایجاد وحدت در جامعه نوظهور مدینه را به سازمان‌دهی یارانش زیر یک پرچم و وضع قانون مدنی مذهبی برای ایجاد یک گروه نوین و استوار کردن جای پای خود در مدینه برای مبارزه با يهود تفسیر می‌کنند (گلدزیهر، ۱۳۵۷، ص ۱۸)؛ در صورتی که پیامبر ﷺ تمام کوشش خود را برای تعامل با يهود به کار بست و گزارش‌های سیره‌نویسان این موضوع را تأیید می‌کنند. بنابراین مهم‌ترین شاخصه‌های حقوق شهروندی را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱-۲. حفظ موقعیت اجتماعی و عدم طرد يهودیان از دولت پیامبر ﷺ

ساخت جامعه جدید از سوی پیامبر ﷺ تناقضات مختلفی را به وجود آورد. هرچند شاید برخی از تناقضات کوتاه‌مدت هیچ تأثیری بر پویایی جامعه جدید نداشت، اما در درازمدت جامعه را با چالش مواجه می‌کرد. بنابراین پیامبر ﷺ برای رفع این تناقضات و ناسازگاری‌ها در جامعه جدید، اقدام به عقد قراردادهای مختلف با ساکنین مدینه و گروه‌های هم‌پیمان يهودی کرد تا بدین وسیله زمینه اتحاد عمومی، امنیت و همبستگی اجتماعی در جامعه را محقق سازد. اجرائی شدن این امر در سایه «نظارت اجتماعی» محقق می‌شد که به‌واسطه آن، سازمان اجتماعی به سطح مطلوب خود می‌رسید و جامعه به‌سوی نظم رهنمون می‌شد. حال، پیامبر ﷺ برای اجرائی کردن این نظارت در جامعه و همسو کردن يهود، باید از نظارت اجتماعی و راهکارهای رسمی و غیررسمی بهره می‌گرفت. یکی از

مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل نظارت اجتماعی که در مفاد قانون‌نامه مدینه گنجانده شده بود، مسئله طرد اجتماعی بود که در سال‌های اولیه، یهود با حفظ موقعیت اجتماعی خود در جامعه و پایبندی به اصول قانون‌نامه مدینه، آن را حفظ کرده بود؛ اما پس از جنگ بدر و آغاز نمایان شدن چهره منافقانه آنها در تحریک مشرکین مکه و نقض پیمان‌نامه، زمینه طرد سیاسی و اجتماعی آنها به‌عنوان یکی از اهرم‌های نظارت اجتماعی غیررسمی فراهم شد. پیامبر ﷺ بر اساس ویژگی‌های شخصیتی‌اش پایبند به عهد و پیمان‌هایش بود؛ چنان‌که قرآن هم به انحراف مختلف در قالب جملات متعددی همچون «أوفو بالعقود» (مائده: ۱؛ فتح: ۱۰)، «و بعهده الله اوفوا» (انعام: ۱۵۲؛ نحل: ۹۱) و «لا تتقوا الأیمان» (نحل: ۹۱) این موضوع را به مسلمانان گوشزد می‌کند.

یهودیان مدینه دو دسته بودند: نخست یهودیانی که از سرزمین خود مهاجرت کرده بودند و آنان را یهودی اصیل می‌دانند؛ و دسته دوم قبایل عربی‌اند که به دلیل همجواری با یهودیان، به‌مرور زمان به دین یهود گرایش پیدا کرده بودند. بر اساس گزارش منابع تاریخی، مردمانی از قبایل اوس و خزرج پس از خروج از یمن و استقرار و همجواری با یهود، به دین یهود گرایش یافتند؛ از جمله، مردمی از بنی‌حارث بن کعب و قومی از غسان و قومی از جذام به دین یهود درآمدند (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۳۶). پیامبر ﷺ درصدد برآمدند با این گروه‌ها پیمان‌نامه منعقد کنند؛ سندی که گاه با عنوان «قانون اساسی مدینه» از آن یاد می‌شود (هولت، ۱۳۷۷، ص ۷۹). در این پیمان‌نامه، موقعیت اجتماعی و مدنی یهود در دولت پیامبر ﷺ به‌خوبی مشخص شده است. بنا به روایت ابن‌هشام، علت عقد پیمان‌نامه پیامبر ﷺ با یهود، جلوگیری از خرابکاری یهود و تحریکات دشمنان اسلام در مدینه بود. به همین دلیل قراردادی با یهود بست و آنان را در دین خود آزاد گذاشت و آنان می‌توانستند مناسک دینی خود را آزادانه اجرا کنند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۳۷؛ بلاذری، ۱۹۵۹، ج ۱، ص ۲۸۶). این گزارش به‌خوبی نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ برای تقویت بنیان دولت نوظهور مدینه و مصون ماندن از توطئه یهود، و از سوی دیگر، قوام گرفتن دولت جدید در محیطی که تنش‌ها و معیارهای قبیله‌ای حاکم بود، اقدام به عقد پیمان‌نامه کرد. البته همان‌طور که بیان شد، تنش‌های قبیله‌ای و ترکیب جمعیتی ناهمگن در مدینه، تنها در سایه توافق با این گروه‌ها محقق می‌شد و به‌واقع عقد پیمان مواخات (میان انصار و مهاجرین) در راستای تحقق این برنامه بلندمدت پیامبر ﷺ بود. البته نباید تعداد یهودیان ساکن در مدینه در مقایسه با مهاجرین را در عقد این قرارداد نادیده گرفت. تعداد مهاجرین ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر بود؛ از طرفی پیامبر ﷺ تجهیزات نظامی برای مقابله با یهودیان را نداشت (هرچند که انصار مدینه پشتیبان ایشان بودند). این امر می‌تواند عامل مهمی باشد برای اینکه پیامبر ﷺ با یهود قرارداد ببندد. البته گزارش‌های تاریخی هم این موضوع را به‌گونه‌ای تأیید می‌کنند که مسلمانان در آغاز هجرت در مدینه در اقلیت بودند و بر اساس آنچه ابن‌شبه روایت می‌کند، شهر یترب (مدینه) ترکیب جمعیتی ناهمگنی از مسلمانان، مشرکان و یهودیان را در خود جای داده بود و یهودیان دارای قلاع و تجهیزات نظامی بودند؛ و از طرفی، گاهی فردی مسلمان بود، اما پدرش

مشرك بود. در این شرایط، پیامبر ﷺ مأمور به صبر و اتخاذ راهکاری مناسب بود (ابن‌شبهه، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۴۹۵؛ ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۳۲).

یکی از راهکارهای پیامبر ﷺ برای تسلط بر شرایط و وضعیت موجود، عقد پیمان‌نامه بود. در باب قراردادهای پیمان‌نامه‌های منعقد، برخی تفکیک‌هایی در این باره قائل شده‌اند و آن اینکه پیامبر ﷺ در آغاز هجرت، اقدام به عقد پیمان عمومی و قراردادی میان مهاجرین و انصار و برخی از یهود نمود؛ که/ابن‌هشام متن کامل آن را آورده است (ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۳۴). اما آنچه در این پیمان‌نامه مهم به نظر می‌رسد، این است که تنها از یهودیان وابسته به انصار (اوس و خزرج) صحبت به میان آمده است که شهرت چندانی نداشته‌اند و در واقع طوایف عرب یهودی‌شده‌ای بودند که در مدینه سکونت داشتند و از سه قبیله معروف یهود (بنی‌قینقاع، بنی‌قریظه و بنی‌نضیر) نامی برده نشده است و تنها مرحوم طبرسی در *اعلام‌الوری* به عقد پیمان میان پیامبر ﷺ با این سه گروه یهود اشاره کرده؛ که در منابع متقدم از آن ذکری به میان نیامده است (صادقی، ۱۳۸۶، ص ۶۸-۷۱).

۲-۲. آزادی دینی و برخورداری از حقوق قضایی

در متن قرارداد میان پیامبر ﷺ و یهودیان آمده بود که همگی (مسلمانان قریش، مهاجرین، انصار مدینه و هم‌پیمانانشان یهود) امت واحدی هستند. بر اساس این پیمان‌نامه، یهودیان می‌توانستند مناسک دینی خود را آزادانه اجرا کنند و هیچ اجباری برای تغییر دین نبود. همچنین پیامبر ﷺ بر حفظ حقوق متقابل برای پیشگیری از گسترش وقوع جرم، قصاص، فدیة و برقراری عدالت در جامعه و مقابله با دشمن مشترک و دفع متجاوز به مدینه و پایبندی به پیمان‌نامه فی‌مابین تأکید کرده بود؛ به‌علاوه تأکید شده بود که پرداخت مخارج جنگ بر عهده هر کس به سهم خود می‌باشد و اینکه مرجع حل اختلاف طرفین رسول خداست و وی نه‌تنها داور، بلکه قانون‌گذار و رئیس دولت و مرجع تغییر احکام است (اکیراگوتو، ۱۳۷۶، ص ۱۱۰). بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حقوق شهروندی و اجتماعی در جامعه پیامبر ﷺ برخورداری یهود از حق دادخواهی و پیگیری آن در جامعه اسلامی بود که طبق معاهده مدینه، مرجع حل اختلاف، خدا و رسول خدا ﷺ بود (ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۳۵) و پیامبر ﷺ هم داور و هم قانون‌گذار جامعه به‌شمار می‌رفت.

برخی از یهودیان، به سخنان رسول خدا ﷺ گوش فرامی‌دادند؛ اما نه برای ایمان آوردن، بلکه درصدد بودند دستاویزی برای تکذیب سخنان آن حضرت بیابند و همچنین سخنان ایشان را تحریف کنند؛ اما خداوند به‌درستی چهره واقعی آنان را برملا کرد (مائده: ۴۱)؛ سپس خداوند به پیامبر ﷺ یادآور شد، هرچند یهود سخنان تو را تکذیب می‌کنند و ربا می‌خورند، اما اگر نزد تو آمدند و خواستند میان آنان داورى کنی، بپذیر و بین آنان به عدالت حکم کن؛ اما در این زمینه مجبور به رسیدگی نیستی و مخیر هستی (مائده: ۴۲). تعامل پیامبر ﷺ با یهود، بر مبنای آیات قرآنی بود. بر اساس این آیات، همه اهل کتاب (یهود) یکسان بودند (بقره: ۱۰۹؛ آل‌عمران: ۶۹، ۷۵، ۷۹، ۱۱۳ و ۱۹۹). به

نظر می‌رسد در بدایت امر، رفتار پیامبر ﷺ با یهود بر اساس مدارا و در چهارچوب آیهٔ ۴۶ سورهٔ عنکبوت (از سوره‌های مکی) صورت گرفته است. در این آیهٔ مبارکه تأکید شده که با اهل کتاب جز به روش نیکو مجادله نکنید؛ مگر کسانی از آنان که ستم کردند (طبرسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۶). این آیه بر اتخاذ شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و نیکو در برخورد با اهل کتاب (یهود)، خویش‌داری و دوری از خشونت تأکید دارد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۵۷).

۲-۳. امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی به معنای حفظ فرد در برابر خطراتی است که اجتماع آن را برای افراد رقم می‌زند. از این‌رو امنیت مفهومی است دارای دو بعد ذهنی و عینی؛ از بعد عینی به معنای ایجاد شرایط و موقعیت امن برای افراد جامعه است؛ و از بعد ذهنی به معنای احساس امنیت است؛ چنان‌که در قرارداد منعقدشده، شهر مدینه منطقهٔ امن و حرم به شمار می‌رفت که امنیت اجتماعی در آن برقرار بود؛ به گونه‌ای که حفظ حرمت همسایگی بین یهودیان و مسلمانان از مهم‌ترین مفاد قرارداد میان دو طرف تلقی می‌شد (ابن‌هشام، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۳۷؛ بلاذری، ۱۹۵۹، ج ۱، ص ۲۸۶). از این‌رو به نظر می‌رسد منشور حکومت مدینه مهم‌ترین متنی است که در آن، حقوق اجتماعی و مدنی یهودیان گنجانده شده است؛ چنان‌که آمده است یهودیان سایر قبایل عرب، از جمله بنی‌ساعده، بنی‌جثم، بنی‌الائوس، بنی‌شعلبه و بنی‌شطیبه نیز همسنگ با یهود بنی‌عوف شناخته می‌شوند و یک امت واحد با مسلمانان به شمار می‌روند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۳۶). یهودیان تا زمانی که پیمان‌نامه را نقض نکرده بودند، در زمرهٔ شهروندان دولت پیامبر ﷺ محسوب می‌شدند و هیچ‌کس حق تعرض به آنان را نداشت؛ اما هنگامی که با دشمن همکاری و از مفاد قرارداد عدول و نقض عهد کردند، با آنها برخورد شد. تمام تلاش‌های پیامبر ﷺ برای تشکیل یک امت واحد و جلب مشارکت یهود، پس از نزول آیات تعبیر قبله (بقره: ۱۴۲) کاملاً عقیم ماند؛ چراکه یهودیان نمی‌پذیرفتند که یک غیریهودی به پیغمبری مبعوث شود؛ از این‌رو پایه‌های اختلاف عمیق‌تر شد و به جای آنکه با پیامبر ﷺ تعامل داشته باشند، درصدد خردگیری، کتمان حقیقت و موضع‌گیری در برابر مسلمانان برآمدند که آیات قرآنی به‌خوبی این موضوع را تأیید می‌کنند (بقره: ۴۶). از طرفی/ابن‌هشام نیز علت خصومت یهود با پیامبر ﷺ را چنین گزارش کرده است که گروهی از سران جاه‌طلب و بزرگان یهود، به سبب حسادت و رشکی که به رسول خدا ﷺ داشتند، درصدد مخالفت و کارشکنی برآمدند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۴۲). بنابراین قبایل سه‌گانهٔ یهود، نه تنها به تعهدات مندرج در قرارداد عمل نکردند، بلکه برحسب منافع خویش پیمان‌شکنی و نقض عهد می‌کردند (ابن‌شبه، ۱۳۹۹ق، ص ۱۹۷-۱۹۸)؛ اما در مقابل، پیامبر ﷺ بر حفظ روابط اجتماعی، حقوق مدنی و حفظ موقعیت اجتماعی یهود تأکید داشت. این امر حتی در سال‌های بعد، به‌ویژه پس از غزوهٔ خیبر نیز نمایان است؛ چنان‌که پس از جنگ خیبر و با اسلام آوردن صفیه، دختر حنی بن‌اخطب (از طایفهٔ بنی‌النجار و اسباط هارون) پیامبر ﷺ با او ازدواج کرد (ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۲۵؛ یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۵۳؛ طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۱۴۵)؛ همچنین اراضی زراعی را در

ازای تقسیم محصول، به یهودیان واگذار کردند (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۰۵) که بیانگر حفظ روابط و تعامل پیامبر ﷺ با یهود است. البته نباید از نظر دور داشت که واگذاری اراضی زراعی به یهودیان در ازای تقسیم محصول، می‌توانست برآیند عدم آشنایی و تمایل اعراب به کشاورزی نیز بوده باشد.

یهودیانی که در مدینه بودند، شاید از لحاظ نژادی و فرهنگی با عرب‌ها اختلاف چندانی نداشتند و تنها دین بود که آنان را از یکدیگر متمایز می‌ساخت. آنان در ساختار دولت جدید پیامبر ﷺ در عرصه کشاورزی و تجارت پیشگام بودند (هولت، ۱۳۷۷، ص ۷۷). بنابراین پذیرش حاکمیت پیامبر ﷺ و تحت انقیاد مسلمانان قرار گرفتن، برای یهود بسیار سخت بود.

برخی بر آن‌اند که پیامبر ﷺ در ماه‌های اولیه ورود به شهر مدینه، مردّد و نگران بود که یهودیان مدینه او را به پیغمبری نپذیرند؛ به همین دلیل با آنان تعامل کرد و سال‌های اول نماز را به سمت بیت‌المقدس می‌خواند تا یهودیان را با نرمش تدریجی به دین خود درآورد (همان، ص ۸۳-۸۴)؛ در صورتی که برخلاف نظر هولت، موضوع تغییر قبله امری شخصی و در حوزه اختیار پیامبر ﷺ نبود؛ بلکه آن حضرت مأمور به اجرای دستور الهی بود (بقره: ۱۴۲-۱۴۴)؛ از طرفی نماز خواندن پیامبر ﷺ به سمت بیت‌المقدس را نباید به‌منزله همراهی با یهود تلقی کرد. این امر بیانگر تحلیل نادرست هولت از نماز خواندن پیامبر ﷺ به سمت بیت‌المقدس است.

در واقع، تلاش‌های پیامبر ﷺ در زمینه ایجاد جامعه‌ای یکپارچه و جلب مشارکت یهود در ساختار دولت جدید، نشان‌دهنده تأکید ایشان بر همگرایی به جای واگرایی و شکاف در جامعه و تشکیل امت واحده بود. به همین دلیل، قرارداد منعقد شده بیشتر بر حفظ حقوق و موقعیت اجتماعی یهود تأکید داشت. از طرفی پیامبر ﷺ برای پیشبرد دولت جدید خود، علاوه بر آموزه‌های قرآنی باید دستورالعمل‌های مشخص و معینی هم وضع می‌کرد تا بر اساس آن، جامعه را مدیریت، کنترل و رهبری کند. برای این امر، علاوه بر قدرت، باید قوانینی هم در نظر گرفته می‌شد تا بر اساس آن، گروه مهاجرین، انصار و یهود ساکن مدینه جایگاه و تکلیف خود را در جامعه تازه‌تأسیس - که دیگر اشرافیت قبیله‌ای، برتری‌طلبی و ساختار قبیله‌ای جایگاهی نداشت - بیابند. بنابراین در کنار قوانین قرآنی، خود باید قوانینی برای اداره بهتر جامعه ارائه می‌کرد. پیمان‌ها و قراردادهایی که پیامبر ﷺ در سال اول هجری میان مهاجرین، انصار، یهود و هم‌پیمانانشان منعقد کرد، از جمله قوانینی بودند که به بهبود وضعیت جامعه کمک می‌کرد. بر اساس معاهده مدینه، گروه یهود و اتباع هم‌پیمان با ایشان، در کنار مسلمانان قرار می‌گرفتند و پابندی به قوانین مندرج در پیمان نامه - که *ابن هشام* بدان اشاره کرده است - زمینه برابری اجتماعی را برای همگان فراهم می‌کرد. عدم پابندی به پیمان‌نامه، پیامدهایی همچون ایجاد فاصله اجتماعی، نابرابری و طرد اجتماعی را به همراه داشت. در جامعه پیامبر ﷺ فرصت‌های اجتماعی برابری برای مسلمانان و یهودیان وجود داشت. کسب‌وکار آزادانه یهود بنی‌قینقاع در بازار زرگری‌شان راستای ارائه همین فرصت‌های اجتماعی برابر بود که پیامبر ﷺ به گروه یهود داده بود و رشد روزافزون اقتصادی یهودیان بنی‌قینقاع را - که زرگری پیشه غالب آنان بود - به همراه داشت. در پیمان‌نامه

پیامبر ﷺ با یهود، تأکیدی ویژه‌ای بر حفظ موقعیت اجتماعی یهود در جامعه تازه‌تأسیس شده بود. گروه یهود تا زمانی که نقش مثبت خود را بر اساس قوانین پیمان‌نامه رعایت می‌کردند و در جامعه به ایفای نقش خود می‌پرداختند، مورد حمایت پیامبر ﷺ بودند؛ اما بروز رفتارهای منافقانه و تحریک مشرکین بر ضد دولت ایشان، که برخلاف مفاد پیمان‌نامه و به‌معنای نقض عهد بود - به‌نوعی زمینه بی‌ثباتی و تزلزل در بنیان موقعیت اجتماعی آنان را در جامعه فراهم کرد. پیامبر ﷺ علاوه بر تأکید به حفظ حرمت و حقوق شهروندی یهود در جامعه جدید، همواره سعی در جذب آنان به دین اسلام داشت. بر این اساس، گروهی از مسلمانان، از جمله معاذ بن جبل، بشر البراء و داود بن سلمه، مأمور فراخواندن و مجادله به بهترین شیوه برای ورود به اسلام، نزد یهودیان فرستاده شدند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۲۱)؛ اما یهودیان با تحریک مشرکین و آشکار کردن نفاق خود و همچنین هجو مسلمانان، زمینه نقض پیمان‌نامه را فراهم کردند. بنابراین پیامبر ﷺ نیز در اقدامی متقابل، با آنان به مقابله پرداختند؛ چنان‌که در سال سوم هجری، کسانی چون کعب بن اشرف، سلام بن ابی‌الحقیق که برضد مسلمانان توطئه کرده بودند، به دستور پیامبر به قتل رسیدند (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۳؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۹۰). علت اصلی چنین برخوردی با کعب بن اشرف، هجو پیامبر ﷺ و مسلمانان از سوی وی و رفتارهای منافقانه‌اش بود؛ به‌طوری‌که پس از حادثه جنگ بدر با چهل سوار به مکه رفت و با سرودن اشعاری در رثای مردگان کفار و گریه و زاری برای کشته‌شدگان، مشرکین را برضد پیامبر ﷺ تحریک کرد (ابن حبان، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱۴؛ ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۹؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۶۰؛ مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۸۸). حتی کعب بن اشرف و چند نفر دیگر از بزرگان یهود، به هنگام نزول آیات تغییر قبله، به پیامبر ﷺ گفتند: اگر به‌سوی بیت‌المقدس یعنی قبله اول برگردی، ما از تو پیروی می‌کنیم. البته آنان با این کار می‌خواستند نشان دهند که پیامبر ﷺ هر لحظه خلق و خویی دارد و به مردم بفهماند که وی شخص بی‌اراده‌ای است؛ وگرنه قصد ایمان آوردن را نداشتند (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۶۴). تمامی این کوشش‌های یهود برای مقابله با پیامبر ﷺ و دین جدید بود.

با توجه به قرارداد مدینه، هرگونه همکاری با مشرکین به‌معنای نقض قرارداد بود؛ اما این امر از جانب یهود رعایت نمی‌شد. در مقابل، پیامبر ﷺ نیز دستور برخورد با یهودیان خاطی را صادر می‌کرد.

یهودیان برای تضعیف مسلمانان سعی و تلاش فراوانی به کار می‌بستند؛ چنان‌که رفاعه بن زید بن تابوت، از بزرگان یهود، به هنگام گفت‌وگو با پیامبر ﷺ زبان خود را درهم می‌پیچید و پیامبر ﷺ را مسخره می‌کرد (بی‌هقی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱۸۳). به‌رغم بروز چنین رفتارهای آزاردهنده‌ای، پیامبر ﷺ کوشش فراوانی برای حفظ وحدت در جامعه مدینه و جلب حداکثری آنان می‌نمود که نتیجه آن، اسلام آوردن عبدالله بن سلام، ثعلبه و اسید، فرزندان سعیه، و اسید بن عبید و گروهی دیگر از یهود بود (همان، ص ۱۸۲)؛ اما دیگر دانشمندان یهود، همچنان به کفر خود باقی ماندند و برای کم‌اهمیت جلوه‌دادن اسلام‌آوردندگان یهود، آنها را افراد «بد و بی‌سروپای» یهود معرفی می‌کردند؛ چراکه اگر از برگزیدگان و چهره‌های شاخص جامعه یهود بودند، دین پدری خود را ترک نمی‌کردند و به آیین دیگر

در نمی‌آمدند (بیبھی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱۸۳). قرآن در پاسخ به این رفتار یهود می‌فرماید: «آنان همه یکسان نیستند؛ گروهی از اهل کتاب قیام می‌کنند و پیوسته در اوقات شب آیات خدا را می‌خوانند؛ درحالی که سجده می‌کنند و به خدا و روز جزا ایمان می‌آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در انجام کارهای نیک پیشی می‌گیرند و آنها از صالحان‌اند» (آل عمران: ۱۱۳-۱۱۴). دعوت مسالمت‌آمیز و دوری از تحمیل، یکی از رفتارهای برآمده از آموزه‌های قرآن بود که بر اساس آن، زمینه تشویق و ترغیب و پذیرش اسلام را فراهم می‌کرد (آل عمران: ۲۰؛ نساء: ۴۷). از طرفی در آیات ۱۲۵ سوره نحل به پیامبر ﷺ یادآوری می‌شود که با حکمت و اندرز نیکو به‌سوی پروردگارت دعوت کن و بهترین راه برخورد با آنان، استدلال و مناظره است. در ادامه، در آیه ۱۲۶ سوره نحل آمده است که هرگاه خواستید آنها را مجازات کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده است، کیفر بدهید. محتوای این آیات به‌خوبی حدود رفتاری پیامبر ﷺ با اهل کتاب، به‌ویژه یهود در مدینه را به‌خوبی نشان می‌دهد؛ حتی در بحث مقابله و مجازات، باز حد و حدودی مشخص شده است.

پیامبر ﷺ برای پرهیز از آشفتگی و تشنج در جامعه و حفظ ساختار جامعه نوظهور، درصدد برجسته کردن مشترکات دینی مسلمانان با یهود برآمد، تا بدین‌وسیله روابط اجتماعی را هر چه بهتر بهبود ببخشد؛ چنان که در ادامه آیه ۴۶ سوره عنکبوت آمده است: به تمام آنچه بر ما و شما نازل شده است، ایمان آوریدیم و معبود یکی است. از سوی دیگر، در سوره بقره آیات ۱۰۵ و ۱۰۹، از اکراه اهل کتاب (یهود) و حسادت آنان به مسلمانان سخن گفته شده است؛ اما مسلمانان با صدور فرمان الهی، به عفو و گذشت و در پیش گرفتن صبر و تقوا در مقابل رفتار و گفته‌های آزاردهنده آنان امر شدند (آل عمران: ۱۸۶). البته این شیوه برخورد با یهودیان تا وقتی بود که در مبانی فکری و عقیدتی مسلمانان خلل وارد نکرده بودند؛ اما با بروز این رفتارها شیوه برخورد و مقابله با آنان تشدید شد. در آیه ۷۲ سوره آل عمران یکی از روش‌های یهود ذکر شده و مورد سرزنش خداوند قرار گرفته است: «جمعی از اهل کتاب (یهود) گفتند: بروید در آغاز روز به ظاهر به آنچه بر مؤمنان نازل شده است، ایمان بیاورید و در پایان روز کافر شوید و بازگردید؛ شاید آنان از آیین خود بازگردند». این روش مقابله‌ای یهود - که دوازده نفر از اخبار خیر توصیه کرده بودند - برای ایجاد شکاف و شک و تردید در مبانی عقیدتی مسلمانان طراحی شده بود؛ اما خداوند با نزول این آیات، آنان را رسوا کرد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۳؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۴۱). در مسئله تغییر قبله از بیت‌المقدس به سوی کعبه - که به‌منظور خنثی کردن توطئه‌های عقیدتی آنان بود - باز شاهد تقابل یهود با پیامبر ﷺ هستیم که خداوند ضمن آیت‌ی، این موضوع را آشکار کرد که اگر برای اهل کتاب (یهود) هرگونه آیه، نشانه و دلیلی بیاوری، آنان از قبله تو پیروی نمی‌کنند (بقره: ۱۴۴)؛ اما دشمنی‌های یهود بعد از تغییر قبله آشکارتر شد. همین امر باعث تقابل آنان با مسلمانان و سست شدن موقعیت اجتماعی یهود در جامعه گردید؛ اما آنچه از آیات پیش گفته برمی‌آید، این است که پیامبر ﷺ اساس رفتار خود را با یهود، بر پایه مدارا به‌منظور ایمان آوردن آنها استوار ساخته بود. به همین دلیل، در ادامه همین آیه آمده است که چون آنان از قبله تو پیروی نمی‌کنند، شما هم از قبله آنان

پیروی نکنید؛ یعنی آنان نباید تصور کنند که بار دیگر تغییر قبله امکان‌پذیر است. اگر تو پس از این آگاهی از آنان متابعت کنی، مسلماً از ستمگران خواهی بود (بقره: ۱۴۵). این آیه به‌خوبی به جدایی و آغاز مرزبندی عقیدتی، سیاسی و اجتماعی مسلمانان و یهود مدینه اشاره دارد. در ادامه همین آگاهی‌بخشی به مسلمانان، در سوره آل‌عمران آیه ۱۰۰ به کسانی که ایمان آورده‌اند، هشدار داده می‌شود که پیروی از اهل کتاب (یهود) برابر با کافر شدن و بازگشت از دین اسلام است. این آیه، ناظر به توطئه یهود و شخص شاس بن قیس در برهم زدن آرامش در میان ساکنین مدینه و شعله‌ور کردن مجدد جنگ‌های عصر جاهلی میان اوس و خزرج است که پیامبر ﷺ آنان را از تفرقه و ایجاد فتنه بازداشت و خداوند در این آیه، مؤمنان را از پیروی از رفتارهای یهود برحذر داشته است (سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۰؛ طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۶ ص ۵۶-۵۸). در راستای همین دوری جستن از اهل کتاب (یهود) و به دوستی نگرفتن آنان، آیات ۵۱ و ۵۷ سوره مائده نازل شده است؛ چراکه یهودیان درصدد ایجاد تزلزل در بنیان‌های اعتقادی و ایمانی مسلمانان و تضعیف روحیه آنان برآمده بودند؛ چنان‌که بعدها با شکل‌گیری حادثه بازار بنی‌قینقاع و اتخاذ شیوه سرپیچی و گستاخی از سوی یهودیان، گسست در روابط اجتماعی میان پیامبر ﷺ و یهودیان شکل گرفت که نتیجه آن، شکست و اخراج یهودیان بنی‌قینقاع بود. از طرفی ادامه تحرکات و توطئه‌های یهود سبب شد تا پیامبر ﷺ با آنان برخورد کند که پایان این ماجرا به فتح قلعه‌های خیبر و تسلیم آنها انجامید.

۳. جایگاه مدنی و حقوقی یهود در دولت پیامبر ﷺ

از منظر اسلام، کل بشریت از نظر خلقت دارای حقوق مساوی‌اند و در همه حال باید کرامت انسانی حفظ شود؛ زیرا خداوند چنین حقی عطا کرده است و این حق مشترک، متعلق به همه انسان‌هاست و هیچ انسانی حق سلب آن را ندارد. بر این اساس، حفظ کرامت انسانی مورد توجه بوده و پیامبر ﷺ حفظ آن را حتی برای غیرمسلمانان هم ضروری دانسته است؛ چنان‌که در باب حرمت قتل اهل ذمه فرمود: هر کس هم‌پیمان ما را به قتل برساند، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۹۹). همچنین پیامبر ﷺ در جریان حجة‌الوداع تأکید داشتند که مردم با هم برابرند و هیچ تفاوتی بین آنها نیست؛ زیرا خداوند واحد است و پدر همه انسان‌ها نیز یکی است؛ نه عرب بر عجم برتری دارد و نه عجم بر عرب؛ هیچ سفیدپوستی بر سیاه‌پوستی و هیچ سیاه‌پوستی بر سفیدپوستی برتری ندارد، جز به واسطه تقوا (احمدین حنبلی، ۱۴۲۱ق، ج ۳۸، ص ۴۷۴). بنابراین در جامعه پیامبر ﷺ احترام به شخصیت فرد، فارغ از نژاد، قبیله و مذهب بود؛ چنان‌که آمده است: جنازه‌های از کنار پیامبر ﷺ عبور داده شد. پیامبر ﷺ به‌نشانه احترام از جای برخاست. صحابه گفتند: جنازه فردی یهودی بود. پیامبر ﷺ آنها را متوجه کرد که از این موضوع آگاه است و فرمود: آیا جنازه انسانی نبود (ابی‌شبیبه، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۶۱؛ مسلم، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۶۱؛ نسائی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۲۰). البته طبق روایتی که رواندی آورده، به پرهیز از مشارکت در تشییع مردگان اهل ذمه تأکید شده است (راوندی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۲۷)؛ اما فارغ از چنین روایت‌هایی، پیامبر ﷺ بر حسن معاشرت تأکید داشتند و می‌فرمودند: بر هم‌پیمان ما با ظلم نکنید و بیشتر از طاقتش وی را مکلف نکنید و چیزی از وی به ظلم نگیرید که

در قیامت باید پاسخگوی من باشید (ابن زنجویه، ۱۴۰۶ق، ص ۳۷۹؛ ابی داود، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۶۵۸؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۹، ص ۳۴۴). پیامبر ﷺ گاهی اوقات به عیادت بیماران یهودی می‌رفت؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: پیامبر ﷺ از یک بیمار یهودی عیادت کرد (طبرانی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۷). آنچه از این گزارش‌های پراکنده دربارهٔ روابط پیامبر ﷺ با یهود برمی‌آید، این است که آن حضرت از اعطای آزادی‌های دینی و مذهبی، امنیت اجتماعی، آزادی بیان، عدالت‌گستری و قضاوت عادلانه و حفظ کرامت انسانی کوتاهی نکرده است.

آنچه بیان شد، شاخصه‌های اجتماعی و حقوقی در دولت پیامبر ﷺ بود که یهودیان با توجه به منشور مدینه از آن برخوردار بودند؛ حتی برای غلامان یهود نیز حقوقی در قرارداد مندرج شده بود (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۳۴-۳۳۷). این رفتار توأم با مدارا و عطف پیامبر ﷺ با یهود، به‌گونه‌ای بود که برخی از مستشرقین به‌اشتباه این مدارا را فقط برای جذب یهود تحلیل می‌کنند (هولت، ۱۳۷۷، ص ۸۳-۸۴).

مهم‌ترین حقوق اجتماعی که در پیمان‌نامه به یهود اعطا شده بود، عبارت بود از: ۱. حق امنیت؛ ۲. حق آزادی عقیده و بیان؛ ۳. برخورداری از عدالت و قضاوت عادلانه. در متن پیمان‌نامه آمده است که از خون‌خواهی خونی که ریخته شود، چشم‌پوشی نمی‌شود. بنابراین ریختن خون، دام‌نگیر شخص و خانواده‌اش می‌گردد (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۳۵-۳۳۶). پیامبر ﷺ با برهم‌زنندگان آرامش، امنیت و وحدت جامعه برخورد می‌کردند؛ برای مثال، در حادثهٔ بازار بنی‌قیقاع یک مرد یهودی به زنی مسلمان تعرض کرد و وی را مورد استهزا قرار داد. همین امر موجب عکس‌العمل فرد مسلمان و قتل یهودی برای حفظ ناموس زن مسلمان شد. در نتیجهٔ این حادثه، مرد مسلمان به‌دست یهودیان کشته شد. با انتشار خبر و بحرانی شدن وضعیت موجود، پیامبر ﷺ درصدد حفظ امنیت جامعه برآمد؛ اما یهودیان به‌نشانهٔ جنگ وارد قلعه‌های خود شدند که در نهایت به جنگ میان دو طرف و شکست یهودیان انجامید. این جنگ برای یهودیان نتیجه‌ای جز تحویل جنگ‌افزارها و تجهیزات جنگی به پیامبر ﷺ در پی نداشت و با کوچ یهود و تخلیهٔ مدینه، آرامش در شهر حکم‌فرما شد.

پیامبر ﷺ در حفظ حقوق شهروندان و رعایت آن اهتمام لازم داشت و با ناهنجاری‌های اجتماعی قاطعانه برخورد می‌کردند؛ چنان‌که در ماجرای زنی زن و مرد یهودی، حکم سنگسار آنان را صادر کرد (مسلم، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۳۲۸).

انتخاب مکان زندگی، از دیگر آزادی‌های مدنی است که اهل کتاب از آن برخوردار بود. اعطای این حق در راستای حفظ جامعه و بسط ارزش‌های الهی بود؛ چنان‌که پیامبر ﷺ توصیه می‌کرد که از تجاوز به حریم اهل کتاب (یهود) خودداری شود؛ و در روایتی دیگر فرمود: خدای تعالی ورود بی‌اجازه به خانه‌های اهل کتاب را بر شما حلال نکرده است (ابی داود، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۶۵۶؛ طبرانی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۸۴؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۹، ص ۳۴۳). حفظ اموال یهود، اعم از منقول و غیرمنقول، از وظایف اصلی دولت مدینه بود که پیامبر ﷺ بر آن تأکید داشت و هیچ‌کسی حق تعرض به اموال یهودیان را نداشت. این امر بیانگر حفظ حقوق فردی یهودیان است؛ چنان‌که

رسول خدا ﷺ فرمود: خدا خوردن بی‌اجازه میوه‌های اهل کتاب را بر شما حلال نکرده است (سیوطی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۴۶۸؛ ابی‌داود، بی‌تا، ج ۴، ص ۶۵۶).

با اینکه بر حفظ حقوق اجتماعی یهودیان در جامعه تأکید می‌شد، به‌واسطه رفتار نامناسب یهودیان و تمایزاتی که میان آنان و مسلمانان وجود داشت، خداوند مسلمانان را از برخی امور منع کرده بود؛ چنان‌که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهودیان و مسیحیان را به دوستی [و رهبری] خود مگیرید؛ زیرا این وابستگی پیامدهایی به همراه دارد؛ از جمله اینکه هرکس از شما آنان را به دوستی گیرد، قطعاً از آنان به شمار می‌آید و از ستمکاران است و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند» (ممتحنه: ۱؛ مائده: ۵۱).

اساسی‌ترین علل نهی از دلبستگی به اهل کتاب را در خلال آیات متعدد می‌توان به‌خوبی درک کرد؛ چنان‌که خداوند به پیامبرش ﷺ می‌گوید: «هرگز یهودیان و مسیحیان از تو خشنود نمی‌شوند، مگر اینکه از آیین آنان پیروی کنی. اگر از هواهای نفسانی ایشان پیروی کنی، در برابر خدا هیچ سرپرست و یآوری نخواهی داشت» (بقره: ۱۲۰)؛ همچنین «یهودیان سرسخت‌ترین مردم در دشمنی با کسانی‌اند که ایمان آورده‌اند» (مائده: ۸۲). «آنان می‌گفتند: دست خدا بسته است. دست‌های خودشان بسته و بی‌اقتدار باد. به سزای آنچه گفتند، لعنت بر آنان باد» (مائده: ۶۴). یهودیان همیشه درصدد بودند برتری خود را در عرصه اجتماعی و دینی به نمایش بگذارند. آنان می‌گفتند: «ما پسران خدا و دوستان اویم»؛ اما ای پیامبر! بگو پس چرا خدا شما را به سبب گناهانتان عذاب می‌کند؟» (مائده: ۱۸). در روابط اجتماعی میان مسلمانان و یهودیان، همیشه بر برخورد محتاطانه با یهود تأکید می‌شد؛ چنان‌که پیامبر ﷺ مسلمانان را از ابتدا به سلام به اهل کتاب برحذر کردند و فرمودند: هرگاه آنان به شما سلام کردند، پاسخ بگویید: «و علیکم» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۱۲؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۲۸، ص ۵۲۷؛ ابی‌داود، ۱۴۳۰ق، ج ۷، ص ۴۹۸). البته این شیوه پاسخ دادن، فقط درباره یهودیانی اعمال می‌شد که مسلمان را تمسخر می‌کردند و همچنین می‌فرمودند: از بیماران یهودی عیادت نکنید و در تشییع مردگان آنها حضور نیابید (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۵۲). این‌گونه روایت‌های مبتنی بر نهی، در دیگر منابع حدیثی کمتر بیان شده است و فقط *راوندی* این‌گونه روایت می‌کند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که این روایات، حتی اگر صحیح در نظر گرفته شوند، به دلیل پیشگیری از تأثیر فرهنگ و اعتقادات یهود بر مسلمانان بوده است. بنابراین، مسلمانان در این امور منع شده‌اند؛ چراکه در روایتی دیگر آمده است: جوانی یهودی خدمتکار پیامبر ﷺ بود. چون مریض شد، پیامبر ﷺ نزد وی رفت و از وی عیادت کرد (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۹۴؛ نسائی، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۵۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۵۱۶) که نشان‌دهنده روابط اجتماعی در سطح فردی میان یهودیان و مسلمانان است.

۳-۱. حق تعلیم و تربیت

از دیگر حقوق مدنی یهود در دولت پیامبر ﷺ برخورداری آزادانه از حق تربیت و تعلیم بر اساس آموزه‌های دینی خودشان بود. اسلام به حفظ و حق یادگیری هر انسانی احترام می‌گذارد، به‌جز کسانی که به خود و پیروانشان ضرر

می‌رساندند. یهودیان در دولت مدینه دارای حق آموزش امور دینی خود بودند. آنها در مدارس مذهبی خود - که به «بیت المدارس» مشهور بود - به تعلیم و آموزش آموزه‌های دینی می‌پرداختند (جوادعلی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۲، ص ۱۲۶؛ علی المسعود، ۲۰۰۲، ص ۹۵). در آیات متعدد به‌طور ویژه‌ای بر رعایت عدالت و انصاف نسبت به اهل کتاب (یهود) تأکید شده است. خداوند پیامبرش را به نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با ایشان پیکار نمی‌کنند و از خانه و دیارشان بیرون نرانده‌اند، تشویق می‌کند و تنها پیامبر ﷺ را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با ایشان می‌جنگند یا به بیرون راندن ایشان از دیارشان کمک می‌کنند (ممتحنه: ۸-۹). این آیات به‌خوبی نشان دهنده شرایط حاکم بر جامعه و فضای باز سیاسی و اجتماعی برای امر آموزش و پرورش امور دینی است که برخلاف آموزه‌های الهی نبود.

۳-۲. برخورداری از حق آزادی عقیده

اعتقاد به دین اسلام مبتنی بر شناخت است و بر اساس آیه شریفه «لا اکراه فی الدین»، هیچ اجباری برای پذیرش دین نیست (بقره: ۲۵۶) و خداوند در آیاتی به پیامبر ﷺ می‌فرماید: اگر پروردگار تو می‌خواست، تمام کسانی که روی زمین‌اند، همگی به‌اجبار ایمان می‌آوردند. آیا تو می‌خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟ (یونس: ۹۹). تأکید آیات الهی، به این امر اشاره دارد که در پذیرش دین اسلام هیچ‌گونه اجبار و زوری در کار نیست؛ حتی اگر این اعمال فشار برای تغییر عقیده، از سوی رسول خدا ﷺ باشد. بنابراین یهودیان در قلمرو دولت اسلامی از آزادی کامل عقیده برخوردار بودند و فقط رسول خدا ﷺ با روشنگری به تحریقاتی که توسط احبار یهود در کتاب مقدس وارد می‌شده، می‌پرداختند و سپس با صبر و آرامش آنان را به اسلام فرامی‌خواندند (آل عمران: ۲۰؛ نساء: ۴۷)؛ چنان‌که حضور پیامبر ﷺ در جریان بازار بنی‌قینقاع، در بدایت امر آنان را به اسلام فراخواندند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۶). به واقع، رفتار پیامبر ﷺ در بُعد اعتقادی درباره یهود، در آیه ۲۰ سوره آل عمران تبلور می‌یابد که خداوند می‌فرماید: «اگر با تو به گفت‌وگو و ستیز برخاستند، مجادله نکن. بگو اگر تسلیم شوند، هدایت می‌شوند؛ و اگر سرپیچی کردند، نگران نباش و تو فقط پیغام را برسان».

۳-۳. آزادی کسب‌وکار

از دیگر حقوق مدنی یهودیان، آزادی کامل در فضای کسب‌وکار بود. یهودیان در قلمرو دولت‌شهر پیامبر ﷺ در کسب‌وکارشان از آزادی کامل برخوردار بودند؛ اما این بدان معنا نبود که پایبند قوانین و ضوابط اسلامی نباشند و در جامعه فساد ایجاد کنند. آنها می‌توانستند کالاهای خود را آزادانه به فروش برسانند و چنانچه منعی از طرف پیامبر ﷺ اعمال می‌شد، بیشتر متوجه مسلمانان بود، نه یهودیان.

یهودیان گوشت و پیه حیوانات مردار و خوک را جمع می‌کردند و آنها را می‌فروختند (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۸۲). پیامبر ﷺ این عمل یهود را مذمت کرده و فرمودند: «خدا یهود را بکشد که پیه حرام را آب کردند و فروختند

و پولش را خوردند» (همان، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۸۲؛ ابویعلی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۴۶؛ ابی‌شبیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۴۰۹). بنابراین پیامبر ﷺ یهودیان را فقط در امر فروش شراب و پیه حیوانات مردار و خوک در قلمرو دولت اسلامی منع می‌کردند. همچنین معاملاتی که بر مبنای ربا بود، از طرف خداوند مذمت شده بود (روم: ۳۹؛ نساء: ۱۶۱؛ بقره: ۲۷۵-۲۷۶؛ علی المسعود، ۲۰۰۲، ص ۹۴؛ قرضاوی، بی‌تا، ص ۱۶). بنابراین ممنوعیت اعمال شده در کسب‌وکار یهودیان در مواردی بود که با شریعت الهی و قوانین جامعه مطابقت نداشت؛ اما در سایر امور اقتصادی، از آزادی کامل برخوردار بودند؛ چنان‌که آنان صنایع و ابزارآلات و ادوات نظامی مختلفی را که تولید می‌کردند، در بازار به فروش می‌رساندند. همچنین مسلمانان از غذاهای تولیدی یهود استفاده می‌کردند؛ به‌طوری‌که قرآن نیز غذای اهل کتاب و زنانشان را بر مسلمانان حلال می‌داند (مائده: ۵). بر این اساس، یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ زنی از یهود را به ازدواج خود درآورد (ابی‌شبیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۷۵)؛ اما زانی از اهل کتاب (یهود) که با مسلمانان در جنگ بودند، نمی‌توانستند به ازدواج مسلمانان درآیند (همان). در برخی دیگر از روایات آمده است که «زنان اهل کتاب بر شما حلال‌اند؛ ولی زنان شما بر آنان حرام‌اند» (عبدالرزاق، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۸۳).

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه در این نوشتار آمد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در آغاز ورود مسلمانان به مدینه و تشکیل دولت از سوی پیامبر ﷺ، نخستین موضوع مهم و مورد توجه، عقد پیمان‌نامه با یهودیان بود. در پیمان‌نامه منعقد شده، یهودیان از آزادی دینی برخوردار بودند و می‌توانستند مناسک دینی خود را آزادانه اجرا کنند و پیامبر ﷺ آنان را به ترک دین اجبار نکرد و تنها از طریق دعوت توأم با آگاهی‌بخشی، درصدد برآمد آنها را به اسلام دعوت کند. از سوی دیگر، حقوق مدنی یهودیان در زمینه امور کیفری و جزایی، به‌گونه‌ای که در پیمان‌نامه آمده بود، محترم شمرده شد و آنان می‌توانستند حق خود را دادخواهی و پیگیری کنند. علاوه بر این، حفظ اموال یهود، اعم از منقول و غیرمنقول، حرمت همسایگی، و حریم شخصی یهودیان، از مهم‌ترین موضوعاتی بود که پیامبر ﷺ برآن تأکید داشت؛ به‌گونه‌ای که مسلمانان حق ورود بدون اجازه به خانه آنان را نداشتند. همچنین یهودیان از فرصت‌های اجتماعی برابر در جامعه سود می‌بردند؛ به‌گونه‌ای که در زمینه آموزش، تعلیم و تربیت، فعالیت مدارس دینی «بیت المدارس»، و بازار مستقل و کسب‌وکار آزاد، تا وقتی که به پیمان‌نامه پایبند بودند، می‌توانستند بهره‌مند باشند.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی، ۱۳۷۱، *کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن نجار، محب الدین أبو عبدالله، بی تا، *الدرة الثمينة فی أخبار المدينة*، محقق حسین محمد علی شکرى الناشر، شركة دار الأرقم بن ابى الأرقم.
- ابن حبان، محمد بن احمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبُد، التميمی، ابوحاتم، الدارمی، البُستى، ۱۴۱۷ق، *صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان*، المحقق شعيب الأرنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- عسقلانی، ابن حجر و ابوالفضل احمد بن علی، ۱۴۱۵ق، *اصابة فی التمييز الصحابة*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، بيروت، دارالكتاب العلمي.
- ابن زنجويه، ابواحمد حميد بن مخلد بن قتيبة بن عبدالله الخرساني المعروف بابن زنجوية، ۱۴۰۶ق، *الأموال*، تحقیق الدكتور شاکر ذيب فياض الأستاذ المساعد، سعودية، بجامعة الملك.
- ابن سعد كاتب واقدی، محمد، ۱۳۷۲، *طبقات الكبرى*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- ابن شبة، (واسمه زيد) بن عبدة بن ربيعة النميري البصرى، ابوزيد، ۱۳۹۹ق، *تاريخ المدينة لابن شبة*، حققه فهيم محمد شلتوت طبع على نفقة، جدة، السيد حبيب محمود أحمد.
- ابن هشام، ابومحمد عبدالملك، ۱۳۷۵، *السيرة النبوية*، ترجمه سيدهاشم رسولی، تهران، کتابچی.
- ابوداود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني، ۱۴۳۰ق، *سنن ابى داود*، محقق شعیب الأرنؤوط و محمد كامل قره بللى الناشر، بی جا، دار الرسالة العالمية.
- ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، *الاعانی*، بيروت، دار إحياء التراث العربی.
- ابويعلى، احمد بن علی، ۱۴۰۴ق، *مسند ابى يعلى*، محقق حسين سليم اسد، دمشق، دارالمأمون للتراث.
- ابى شيبة، ابوبكر بن، ۱۴۰۹ق، *المصنف فى الاحاديث الاثار*، محقق كمال يوسف الحوت، رياض، مكتبة الرشد.
- احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، *مسند الإمام احمد بن حنبل*، محقق شعيب الأرنؤوط و عادل مرشد، اشرف عبدالله بن عبدالمحسن التركي، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- بخارى الجعفی، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله، ۱۴۲۲ق، *الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخارى*، محقق محمد زهير بن ناصر الناصر، بی جا، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم ترقيم محمد فؤاد عبدالباقي).
- بلاذرى، احمد بن يحيى، ۱۴۱۷ق، *جمل من أنساب الأشراف*، تحقیق سهيل زكار و رياض الزركلى، بيروت، دار الفكر.
- _____، ۱۳۳۷، *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توكل، تهران، نقره.
- بلک، آنتونی، ۱۳۹۳، *تاريخ انديشه سياسى اسلام*، ترجمه محمد حسين وقار، تهران، اطلاعات.
- بيهقى، ابوبكر احمد بن حسين، ۱۳۶۱، *دلائل النبوة*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، علمی و فرهنگى.
- _____، ۱۴۲۴ق، *السنن الكبرى*، محقق محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية.
- راوندى، سعيد بن عبدالله قطب الدين، ۱۴۰۹ق، *الخرائج والجرائح*، قم، المطبعة العلمية.

- زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمرو بن أحمد، ۱۴۰۷ق، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، بیروت، دار الكتاب العربی.
- سمهودی، علی بن عبدالله بن احمد الحسنی، ۱۴۱۹ق، *خلاصة الوفا بأخبار دار المصطفى*، دراسة و تحقیق د/ محمد الامین محمد محمود احمد الجکینی طبع علی نفقه السيد، بی‌جا، حبیب محمود احمد.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر، بی‌تا، *خصائص الکبری*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- شریف، احمد ابراهیم، بی‌تا، *مکة و المدينة فی الجاهلیة و عهد الرسول صلی الله علیه وسلم*، بی‌جا، دار الفکر العربی.
- صادقی، مصطفی، ۱۳۸۲، پیامبر و یهود حجاز، قم، بوستان کتاب.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی، ابوالقاسم، بی‌تا، *المعجم الأوسط*، محقق طارق بن عوض الله بن محمد و عبدالمحسن بن ابراهیم الحسینی، قاهره، دار الحرمین.
- طبرسی، امین الاسلام ابی‌علی الفضل بن الحسن، بی‌تا، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بی‌جا، بی‌نا.
- طبری محمد بن جریر، ۱۴۲۰ق، *جامع البیان فی تأویل القرآن*، محقق احمد محمد شاکر، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ، ۱۳۷۵، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ پنجم، تهران، اساطیر.
- عبدالرزاق، ابو بکر بن همام بن نافع الحمیری البمانی الصنعانی، ۱۴۰۳ق، *المصنف*، محقق حبیب الرحمن الأعظمی، بیروت، المجلس العلمی - الهند یطلب من، المكتب الإسلامی.
- علی، جواد، ۱۴۲۲ق، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، بی‌جا، دار الساقی.
- علی المسعود، فهد محمد، ۲۰۰۲م، *حقوق غیر المسلمین فی الدولة الاسلامیة و حمايتها الجزائیة و تطبیقاتها فی المملکة العربیة السعودیة*، رساله ماجیستر، اشراف زید عبدالکریم الزید، جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامیة، الرياض.
- قرضاوی، یوسف، بی‌تا، *غیر المسلمین فی المجتمع الاسلامی*، بی‌جا، بی‌نا.
- گلدزیهر، ۱۳۵۷، *درسهائی درباره اسلام*، ترجمه علینقی منزوی، تهران، کمانگیر.
- گوتو، اکیرا، ۱۳۷۶، «قانون‌نامه مدینه»، ترجمه شهلا بختیاری، *کیهان اندیشه*، ش ۷۵، ص ۱۰۱-۱۱۵.
- مسلم بن حجاج ابوالحسن قشیری نيسابوری، بی‌تا، *لمسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ*، محقق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، ۱۳۷۴، *أفرینش و تاریخ*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه.
- نسائی، ابوعبدالرحمن احمد بن شعیب بن علی خراسانی، ۱۴۲۱ق، *المجتبی من السنن = السنن الصغری للنسائی*، تحقیق عبدالفتاح ابوغده، حلب، مکتب المطبوعات الإسلامیة.
- یحیی بن آدم، بن سلیمان القرشی بالولاء، أبو زکریاء الکوفی، ۱۳۸۴ق، *الخروج*، الطبعة الثانية، بیروت، المطبعة السلفية و مکتبتها.
- یعقوبی، ابن‌واضح، ۱۳۷۱، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگ.